واکاوی مفهوم فضاهای عمومی شهری با تأکید بر فضای درنگ

علی پورجعفر[1*]/ الهام خزائی[2]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش نهایی : ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ انتشار مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

آباد

شماره ۹۲، زمستان ۱۴۰۳

۵-۲۱

چکیده

فضاهای عمومی شهری از اجزا کلیدی ساختار یک شهر و متشکل از مجموعه‌ی متنوع ابعاد طراحی شهری هستند. این‌گونه فضاها محل حضور اقشار مختلف مردم می‌باشند و نقش مهمی در تعاملات اجتماعی، پویایی شهر و کیفیت زندگی شهری ایفا می‌کنند. فضاهای عمومی توأمان پاسخگوی نیازهای متنوع شهروندان بوده و بستر ارتباطات اجتماعی و تقویت حس تعلق را فراهم می‌کند. مسئله مهم در تعریف و گونه‌بندی فضاهای عمومی شهری با ویژگی‌های متمایز، اشاراتی کلی و مبهم به زیرگونه‌های متفاوت است. یک نمونه مهم از فضاهای عمومی شهری، فضاهایی است که با توجه به موقعیتشان در ساختار شهر و ابعاد طراحی شهری مؤثر، محدوده‌ای مستعد برای برونداد تعاملات اجتماعی و رویدادهاست. این‌گونه فضا را می‌توان فضای درنگ نامید که در برخی منابع معتبر با نام «فضای ایستا» و «فضای مکث» معرفی شده است. در این مقاله بناست با رویکردی قیاسی به توصیف و تحلیل نظرات و تعاریف متفاوت درباره فضاهای عمومی شهری پرداخته شود تا بتوان علاوه بر تشریح مفهوم فضای درنگ، هماهنگی آن را با مفهوم و عملکرد یک فضای عمومی شهری در قیاس با «فضای ایستا» یا «فضای مکث» بررسی نمود. همچنین در پایان ویژگی‌های فضای درنگ شهری و گونه‌بندی مناسب برای فضاهای درنگ شهری ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: فضای عمومی شهری، فضای درنگ، گونه‌بندی، طراحی شهری.

۱- استادیار گروه طراحی شهری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
۲- پژوهشگر دوره دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران.

* نویسنده مسئول: A.pourjafar@sru.ac.ir

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

مقدمه

فضای عمومی شهری از منظر طراحی شهری محدوده‌ای سه‌بعدی و مشخص است که عناصر مصنوع و طبیعی می‌تواند در آن وجود داشته باشد و آزادانه در دسترس عموم مردم باشد. در بستر شهر مجموعه‌ای متشکل از گونه‌های متنوع فضاهای عمومی و نیمه عمومی شهری وجود دارد. به‌طور کلی فضاهای موجود در سطح شهر را از نظر شکلی می‌توان به ۲ گونه خطی و غیرخطی تفکیک نمود. در طراحی شهری و مطالعات فضاهای عمومی، فضاهای خطی برای تردد و حرکت بوده و بدین‌وسیله باعث ارتباط میان فضاهای غیرخطی می‌شوند. در ادبیات طراحی شهری برای فضاهای غیرخطی اصطلاحاتی مانند «فضای ایستا» و «فضای مکث» رایج شده است؛ اما به نظر می‌رسد این عبارات نمی‌توانند به‌طور کامل مفهوم صحیح یک «فضای عمومی» را بیان کنند. فضای عمومی شهری نه‌تنها محدوده‌ای برای توقف، بلکه بستری برای تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری هویت جمعی است. فضای ایستا از نظر معنایی به محدوده‌ای اشاره دارد که کمترین تحرک و پویایی را داراست، به‌گونه‌ای که عملکرد آن بیشتر به استراحت و حضور غیرتعاملی افراد محدود می‌شود. این تعریف، نقش اجتماعی و پویای فضاهای عمومی را نادیده می‌گیرد و نمی‌تواند مفهوم کامل این فضاها را منعکس کند. فضای مکث نیز بیشتر به نقاطی اشاره دارد که افراد برای مدت کوتاهی توقف می‌کنند، بدون آنکه تعاملات اجتماعی عمیق در آن شکل بگیرد. درحالی‌که فضاهای عمومی باید بستری برای تعاملات شهری، تجربه‌های اجتماعی و رویدادهای شهری باشند، فضای مکث این ابعاد حیاتی را کمتر در برمی‌گیرد. در مقابل، عبارت فضای درنگ شهری نوعی فضای عمومی است که علاوه بر توقف افراد، آن‌ها را به تعامل، تجربه و مشارکت اجتماعی دعوت می‌کند. طراحی آن‌ها به‌گونه‌ای است که می‌توانند میزبان رویدادهای متنوع باشند و هویت شهری را تقویت کنند. استفاده از عباراتی مانند «فضای ایستا» و «فضای مکث»، محدودیت‌هایی در درک جامع فضاهای عمومی ایجاد می‌کند و نمی‌تواند نقش اجتماعی، فرهنگی و پویای این فضاها را به‌درستی منعکس کند. لازم است که در مطالعات طراحی شهری، به اصطلاحات دقیق‌تر و جامع‌تری مانند فضای درنگ توجه شود تا مفهوم حقیقی فضای عمومی شهری در ادبیات طراحی شهری لحاظ شود. لذا به منظور تشریح بهتر موضوع مطلوب است تعاریف و دیدگاه‌های مطرح شده در ارتباط با فضاهای عمومی شهری موردبررسی قرار گیرد.

بررسی موضوع پژوهش متکی بر نظرات، سیر تحول فضا و تقسیم‌بندی‌های متفاوت خواهد بود. یافته‌های حاصل موردبحث و تحلیل قرار می‌گیرد و نهایتاً منجر به بیان ویژگی‌ها و گونه‌بندی مطلوب برای یک نمونه فضای عمومی شهری خواهد شد. نگاهی به پیشینه تعاریف و برداشت‌های تجمیع شده صاحب‌نظران از فضای عمومی شهری خلاصه‌ای جامع از سایر مشخصاتی است که مطرح شده است (شکل ۱).

روش پژوهش

هدف این پژوهش تأملی بر مفهوم فضای عمومی شهری و گونه‌ای خاص از فضای مذکور است که از منظر صاحب‌نظران مطرح شده است. لذا بناست با رویکردی قیاسی به توصیف و تحلیل نظرات، تعاریف و گونه‌بندی‌های متنوع فضاهای عمومی شهری پرداخته شود. لذا با تحلیل آنچه که در ارتباط با فضاهای عمومی شهری مطرح شده است می‌توان به نتایج جدیدی دست یافت.

مبانی نظری

فضای شهری عمومی

«فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی، فراتر از فضای کالبدی و مؤلفه‌های هندسی آن است. فضای شهری در یک تعریف عام، شامل فضای زندگی شهروندانی است که آگاهانه یا ناآگاهانه برای رسیدن به مقاصد مختلف طی می‌شود» (پاکزاد، ۱۳۸۴).

فضای عمومی فضایی است عملکردی که در شرایط مختلف و متأثر از آداب، نحوه استفاده از آن به فراخور آیین‌ها و مراسم ملی و مذهبی مردم تعریف می‌شود. به واقع شهر آیینی محل نمایشی بزرگ است از شیوه زیستی مردم آن. شهر بر مبنای خاطرهای جمعی مردمانش از فضاهای عمومی بهره می‌برد. صحن شهر سرشار از تصادف و تماشا، دعوا و معرکه‌گیری، تظاهرات آیینی و غیره است (صفامنش، ۱۳۸۴). هیچ‌یک از عناصر شهری واقع در عرصه عمومی، نظیر بازار، بازارچه، میدان، قهوه‌خانه، حمام، مسجد، کاروانسرا، امامزاده و غیره، تنها در قالب استفاده‌ای که برای آن‌ها منظور شده‌اند به کار گرفته نمی‌شوند. مکان مرتب توسط فعالیت‌ها تعریف می‌شود و مرتب جای خود را به فعالیت‌های تازه می‌دهد. به عبارتی بازار در زمان مراسم مذهبی تبدیل به یک صحنه تئاتر می‌شود. میدان هنگام عبور خنچه مفصل عقد و عروسی تبدیل به یک فضای کارناوالی می‌شود. معبر در هنگام مشایعت عروس و داماد به خانه هنگام عبور بانوان سطح بالا حکم فضای جشنواره‌ای را پیدا می‌کند که به فضای شهری مکانی عمومی برای برقراری ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین اقشار مختلف، برای زمان‌های گوناگون و برای مراسمات مختلف است. فضای شهری به لحاظ شکلی و رابطه جزء و کل به دودسته پویا و ایستا تقسیم می‌شود. این تقسیمات

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]



شکل ۱- پیشینه فضای عمومی شهری

دارای اجزای دیگری از جمله فضاهای نامتعادل نیمه ایستا و نیمه پویا است که خود فضای شهری پایدار نیست و دائماً بین یکی از دو حالت قبلی در نوسان است را شامل می‌شود. از وجوه مشخصه فضای شهری مبدأ، مقصد و مسیر حرکت و یا نقاط ورود و خروج بیان شده است (زند، ۲۰۱۲). زوکر گونه‌هایی از فضاهای ایستای شهری را از نوع فضاهایی محصور، بسته، کامل، جهت‌گیری شده به سوی عنصری شاخص، و یا سازمان‌یافته حول نقطه‌ای مرکزی دسته‌بندی می‌کند (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۲). فضای شهری ایستا آن است که روح مکث و تأمل و توقف در آن مشهود و غالب باشد برای مثال توقفگاه‌ها به صورت تحسین‌برانگیزی مناسب ساکن بودن هستند و نیز می‌توانند ارزش‌های نمادین یابند (کریر، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۹). همان‌گونه که مشاهده می‌شود تعاریف و تمثال‌ها درباره فضای عمومی شهری کند مفهوم آن را به نمایش می‌گذارد، اما این مفهوم با واژگانی چون ایستا چندان نمی‌تواند ترجمان قدری برای انبوه جنب‌وجوش و شوری باشد که در آن جاری است. در ادامه تعریف دیگری از فضای عمومی شهری ارائه می‌شود (جدول ۱).

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

جدول ۱- تعاریف فضای عمومی شهری (منبع: نگارنده)

تعاریف فضای عمومی شهری	
کولکوهن، نقل از مدنی‌پور ۱۳۸۴، ص ۱۳	فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و تداعی‌کننده نهادهای اجتماعی.
برونوزوی، نقل از مدنی‌پور ۱۳۸۴، ص ۱۰	فضاهای خالی که محدود شده‌اند.
زوکر، توسلی و بنیادی ۱۳۷۱، ص ۱۸	فضایی که در آن ارتباطات ویژه بصری و حرکتی وجود داشته باشد، ساختاری سازمان‌یافته، آراسته و واجد نظم، به صورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی و استوار بر قواعد معین و روشن.
بحرینی ۱۳۷۷، ص ۳۱۳	صحنه‌ای که فعالیت‌های عمومی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد، خیابان‌ها، میادین و پارک‌های یک شهر فعالیت انسانی را شکل می‌دهد.
حبیبی و مقصودی ۱۳۸۶، ص ۱۱-۱۰	مکان اصلی وقایع و حوادثی که نقش خلاق در پیوند امروز با فردا را سامان می‌دهد. این فضا دربرگیرنده ۴ عنصر اساسی: ساکنان یا عابران، عناصر انسان‌ساخت (کالبدی یا فعالیتی)، روابط (میان افراد و عناصر و میان عناصر) و زمان می‌باشد.
پاکزاد ۱۳۸۴، ص ه	محل برقراری تعاملات اجتماعی که باز و عمومی باشد.
توسلی و بنیادی ۱۳۷۱، ص ۴۱	فضای دارای ارزش.
لینچ، کار و کریر، نقل از طغیانی ۱۳۸۸	صحنه‌ای که داستان جمعی در آن گشوده می‌شود، محل برخوردهای از پیش تدوین نیافته وضوح ویژگی‌های هندسی و کیفیت‌های زیباشناختی
مدنی‌پور ۱۳۸۴، ص صاد	اطلاق «فرایندی اجتماعی- مکانی» که تمام ساختمان‌ها، اشیاء و فضاهای محیطی و شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آن‌ها را در برگیرد.
پاکزاد ۱۳۸۴، ص د	کاربرد فضای شهری، ایجاد آرامش، سرگرمی و محلی برای گردش، فراهم آوردن ارتباط و زمینه معاشرت و امکان تردد می‌باشد.
برگرفته از نقی زاده: یار و دیگران (۱۹۹۲)	ما فضای عمومی را یک عرصه‌ی مشترک می‌دانیم که در آن مردم فعالیت‌های کارکردی و تشریفاتی را انجام می‌دهند به موجب همبستگی اجتماع را شکل می‌دهند؛ چه در روال عادی و چه به حالت بزم‌های مقطعی
تیبالدز، ف. (۱۹۹۲)	مکان‌های عمومی هر شهر متعلق به شهروندان همان شهر است. ماهیت این مکان‌ها از مقیاس، شکل، اندازه و همچنین چگونگی ارتباط آن‌ها بنابه یکدیگر، کاربری‌ها و فعالیت‌هایی که در آن‌ها رخ می‌دهند و چگونگی تردد در آن‌ها تأثیر می‌گذارد.
زوکین، س. (۱۹۹۵)	فضاهای عمومی دریچه‌هایی به روح شهرند. فضاهای عمومی به‌مثابه جلوه‌گاه، وسیله‌ای مهم در به قاب کشیدن چشم‌انداز زندگی اجتماعی شهر هستند؛ چشم‌اندازی هم برای آن‌ها که در شهر زندگی می‌کنند و کنشگران در فضای عمومی و هم برای گردشگران و مسافران روزانه.
گل، ی. (۱۳۹۲)	حضور مردم، فعالیت‌های، رویدادها یکی از مهم‌ترین کیفیات فضای عمومی است.
لوفلاند، ل.(۱۹۹۸)	عبارت «فضای عمومی» طیفی از ارتباطات قانونی میان عموم و فضا را پوشش می‌دهد
گل، ی-گمزو، ل.(۱۹۹۹)	الگوی استفاده در طول تاریخ متفاوت بوده است، با وجود تفاوت‌ها و ابهامات، فضای عمومی همیشه به عنوان مکان ملاقات، بازار و فضای عبور و مرور نقش ایفا کرده است.

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

تعاریف فضای عمومی شهری		
کوهن، م.(۲۰۰۴)		سه اصل: مالکیت، دسترسی‌پذیری و همه‌شمولی. فضای عمومی در معنای جاری آن به مکانی اطلاق می‌شود که متعلق به دولت بوده و برای همگان بدون هیچ محدودیتی دسترسی‌پذیر است.
براون، آ.(۲۰۰۶)		فضای عمومی به معنای تمام فضاهای کالبدی و روابط اجتماعی است که استفاده از آن فضا را در قلمروی غیرخصوصی شهرها تعریف می‌کنند. فضای عمومی شهری شامل میدان‌ها، معابر و خیابان‌ها، همچنین عرصه‌های خالی و لبه‌ها نیز می‌شود.
منش، ج. (۲۰۰۷)		فضایی است که در آن افراد در فعالیت‌های عمومی شرکت می‌کنند، می‌بینند و دیده می‌شود.
کرمونا و دیگران (۲۰۰۸)		فضای عمومی به تمامی قسمت‌های از محیط ساخته شده و طبیعی، عمومی و خصوصی، داخلی و بیرونی، شهری و روستایی اطلاق می‌شود و عموم به آن‌ها دسترسی آزاد و بدون محدودیت است.
مدنی‌پور (۱۹۹۶)		اجازه می‌دهند مردم به آن و فعالیت‌های درون آن دسترسی داشته باشند و فضایی است که یک کارگزار عمومی آن را کنترل می‌کند، فضایی که در جهت منافع عمومی تأمین و اداره می‌شود.
والزر (۱۹۹۶)		فضای عمومی فضایی است که آن را با غریبه‌ها سهیم هستیم. فضایی است برای سیاست، مذهب، دادوستد و ورزش، فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و برخوردهای غیرشخصی.
نقل از نژادستاری، ۱۳۸۸	توسلی و بنیادی، ۱۳۷۲	هر فضای شهری را نمی‌توان فضای شهری دانست، مگر آنکه براساس قواعد زیبایی‌شناسی شکل گرفته باشد.
	شوای، ۱۹۶۹	فضای شهری موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می‌شود.
	شوای، ۱۹۶۹ هانسون و هیلی یر، ۱۹۸۴	فضای شهری با راهبردهای اجتماعی جامعه مربوط است.
	جیکوبز، ۱۹۶۱	فضای شهری موجب گسترش حس اعتماد و اطمینان گردیده، بر امنیت و کنترل اجتماعی می‌افزاید.
	مامفورد، ۱۹۶۲	فضای شهری به مشارکت و مسئولیت شهروندان میدان می‌دهد و توان خودگردانی و کنترل درونی انسان‌ها را ارتقا می‌دهد، فضای شهری نمود اهداف انسان ارگانیک است و بیش از سایر فضاها می‌تواند «آرامش و امنیت» و «نظم و همیاری و تعاون»، تقویت عواطف و دانش همراه با «زیبایی نمادین» را برای رشد نیروهای بالقوه انسان و چهره انسانی بخشیدن به تمدن و فرهنگ تحقق بخشد.
	راپاپورت ۱۹۷۷	فضای شهری فرایند اجتماعی شدن افراد را تسهیل می‌کند و عرصه مهم اعمال هنجارها و موازین اجتماعی است.
	بیکن ۱۹۷۶	فضای شهری به تلطیف عواطف مشترک جمعی انسان‌ها یاری می‌رساند و واجد کیفیت انسانی – عاطفی است.
	کنزو تانگه	فضای شهری میدانی برای شکل بخشیدن به انسان در محیط‌زیست اشاره دارد.
	بحرینی ۱۳۷۷ ص ۳۱۳	فضای شهری عرصه نمایش زندگی است، فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی‌زندگی شهری در آن به وقوع می‌پیوندند. خیابان‌ها، میادین و پارک‌های یک شهر فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند.

سیر تحول فضاهای عمومی شهری

در کنار بررسی مضمون و تعریف فضای عمومی شهری پرداختن به سیر تغییرات آن می‌تواند شناخت عمیق‌تری را حاصل کند. تغییرات یک سوژه در گذر زمان نمایانگر برونداد آن در بسترهای زمانی متفاوت است. مشاهده مجموعه‌ای از بروندادهای مذکور در قالب سیر تحول، بررسی دقیق‌تری را باعث می‌شود تا بدین واسطه مضامین با وضوح بیشتر بر کتیبه اذهان نقش ببندد (شکل ۲).

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]



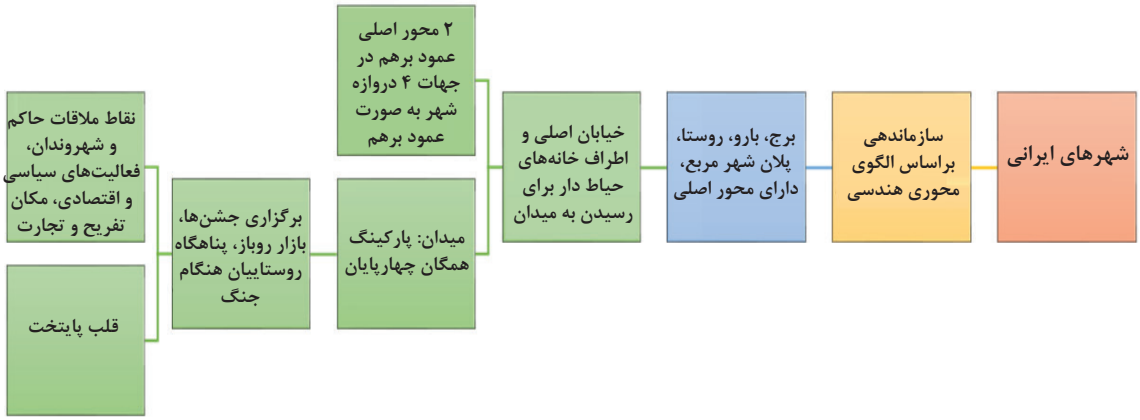
شکل ۲- سیر تحول فضای عمومی شهری (منبع: نگارندگان)

شهرهای ایرانی نیز براساس الگوی محوری- هندسی سازماندهی می‌شدند شهرها با برج و بارو و روستاهایی که در شرق ایران از اواسط هزاره اول پیش از میلاد ساخته شده‌اند مربع شکل و از طرح محورهای اصلی برخوردار بوده‌اند. یک خیابان اصلی از تنها دروازه شهر که دو طرف آن را خانه‌های حیاط دار احاطه می‌کرده‌اند تا به میدان مرکزی که پارکینگ همگانی جمعی چهارپایان و دام بود، ادامه داشته است (de Planhol,1968). شهر باستانی مرو (College,1977) و هرات (Gaube, ,1973 1979; English) مجتمع‌های زیستی مربع شکلی بودند که از دو محور اصلی عمود بر هم که به چهار دروازه متصل می‌شدند، بهره می‌گرفتند. این الگویی بود که در شهرهای دوران پارتی‌ها و ساسانیان تا زمان غلبه مسلمانان در قرن هفتم میلادی ادامه داشت. این الگو را به‌رغم تلاش مسلمانان برای کاهش اهمیت نمادین قبل از اسلام آن، می‌توان در شهرهای ایرانی تا قرن نوزدهم حتی در تهران یافت. (Madanipour, 1998) البته محوری بودن شکل شهر منجر به حذف میدان عمومی نشد. میادین مکان‌هایی بودند برای برگزاری جشن‌ها (مانند جشن آتش که در اشعار فردوسی بازگو شده است) و برای بازار روباز به منظور تجارت و برای پناه دادن به روستائیان اطراف شهر در هنگام جنگ (مانند جی، اصفهان) (Gaube,1983 1979; Boyce) میادین به عنوان نقاط ملاقات حاکم شهر و شهروندان استفاده می‌شدند (شکل ۳) که در بین ارگ شهر مانند بخارای قرون‌وسطی (Frye, 1965) یا حتی در تهران در قرن نوزدهم درجایی که در میدان درون و بیرون ارگ به منظور فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی بکار گرفته می‌شد، قرار داشتند. (Madanipour, 1998) متکامل‌ترین شکل میدان مرکزی شهر در ایران میدان نقش‌جهان در اصفهان (که میدان شاه و بعدها میدان امام نیز نامیده شده است که در آن‌هم چوگان‌بازی می‌شده و هم محل تجارت بوده است). این میدان با قصر سلطنتی، مسجد مرکزی، ورودی به بازار اصلی، عمارت موسیقی و حوزه علمیه محصور شده و به عنوان قلب پایتخت در قرن ششم میلادی شناخته شده است. میدان نقش‌جهان اصفهان در دوران شکسپیر در انگلستان نیز معروف بوده و حتی تا اواسط قرن بیستم میلادی پس از میدان سرخ در مسکو، بزرگ‌ترین میدان عمومی جهان بوده است (Groseclos, 1947:08) اصلی‌ترین فعالیت‌های عمومی شهر در حول‌وحوش مرکز و در طول محور اصلی آن صورت می‌گرفت. ارگ شهر مسجد جمعه و بازار به عنوان مراکز سیاسی، روحانی و نمادین و قدرت اقتصادی، نقاط کانونی شهر را تشکیل می‌دادند. یکی

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

از این عناصر یعنی بازار که شامل خیابان یا خیابان‌های اصلی سرپوشیده می‌شد به عنوان کانال ارتباطی بقیه عناصر را به هم و با سایر فعالیت‌های کم‌اهمیت‌تر مانند حمام عمومی، سرداب و مکتب‌خانه‌ها مرتبط می‌ساخت تا بدین ترتیب قلمرو عمومی روشن و زنده‌ای را در طیف فضایی خلق نماید. این فضا مکان گردهمایی اهالی شهر با سلسله‌مراتب سیاسی، مذهبی، اقتصادی گوناگون و دنیای بیرون بود. این مکانی بود که درگیری‌ها و خصومت‌های دسته‌ای و فرقه‌ای بین محله‌ها آرام می‌شد؛ اما فضای عمومی همواره توسط خصوصی‌سازی فضا توسط افراد یا منافع قدرتمندان مورد تهدید قرار داشت (مدنی‌پور، نوریان، ۱۳۹۱). پراکندگی شهرها پیامدهای اجتماعی شدیدی را به دنبال داشته است و این امر موجب به جداسازی اجتماعی و فضایی بین طبقه کارگر و طبقه متوسط گردید. تقویت فضای عمومی وسیله‌ای برای رویارویی با این پراکندگی و نگرانی‌های مرتبط با آن است. تقویت حس باهم بودن از طریق ایجاد انواعی از فضاهای عمومی امکان‌پذیر است. برای مثال: فضای عمومی یعنی «زمینه مشترکی که مردم در آن بتوانند فعالیت‌های عملکردی و آیینی را که منجر به پیوند بینشان می‌شود، انجام دهند» (Carr et al., 1992:xi) یا «فضایی که ما با دیگران باهم استفاده می‌کنیم، فضایی برای حضور مسالمت‌آمیز در کنار دیگران و برقراری ارتباطات غیر مشخصی با آنان» (Waizer, 1986:470). تقویت فضای عمومی به عنوان نقطه گردهمایی مجدد افرادی که از هم جدا افتاده‌اند به خوبی بر اهمیت «باهم بودن» تأکید دارد (مدنی‌پور، نوریان، ۱۳۹۱).

فضای عمومی که امروز بکار گرفته می‌شود ریشه در مفاهیم مدرن که از قرن هجدهم ظهور پیدا کرده‌اند داشته و جامعه را به عنوان قلمرویی برای انعقاد ارتباط بین غریبه‌ها قلمداد می‌کند. این موضوع جامعه تجاری مدرن را از جامعه قبلی آن که مردم پیرو آداب و سنن بودند و از طریق پیوندهای طایفه‌ای و فامیلی بدون دخالت اراده فردی باهم مرتبط می‌شدند، متمایز می‌سازد. البته شکستن این پیوندها نیاز به چارچوب جدید فرهنگی داشت که برقراری آداب مناسب را به منظور ارتباط مؤثر بین کسانی که کاملاً باهم غریبه بودند ترغیب و تشویق می‌کرد. عده‌ای این را گامی به سوی آزادی قلمداد می‌کنند درجایی که ارتباط دوسویه اجتماعی از طریق ادب و دلسوزی به هم شکل می‌گیرد و نتیجه آن زندگی اجتماعی آرام، قابل پیش‌بینی و منظم می‌باشد (مدنی‌پور، نوریان، ۱۳۹۱). فضاهای عمومی شهر فضاهای معاشرت پذیر هستند یعنی جایی که در آن‌ها روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. البته این فضاهای معاشرت همیشه در دسترس همه نیستند. برای مثال، یکی از راه‌های منحصربه‌فرد کردن فضاهای معاشرت که طعم و بوی خاص خود را داشته باشند این است که فضای عمومی و مرکز محله‌های عمومی شکل گیرند تا در آن‌ها ایجاد روابط اجتماعی و همبستگی تسهیل و تقویت شود محله‌ها به عنوان واحدی در ساخت شهر مطرح می‌شوند به شکلی که با محیط‌زیست آشتی کرده باشد یعنی سفر درون‌شهری و مصرف انرژی را کاهش داده باشد و درجایی که فضای غیرشخصی شهر به عرصه‌هایی از جوامع محله‌ای منسجم بین شخصی تقسیم شده باشند. محله‌ها به عنوان ابزاری استفاده می‌شوند که توسط آن‌ها فضای شهری به بخش‌هایی که قابل مدیریت باشند، تقسیم می‌شوند (همان، ۱۳۹۱).

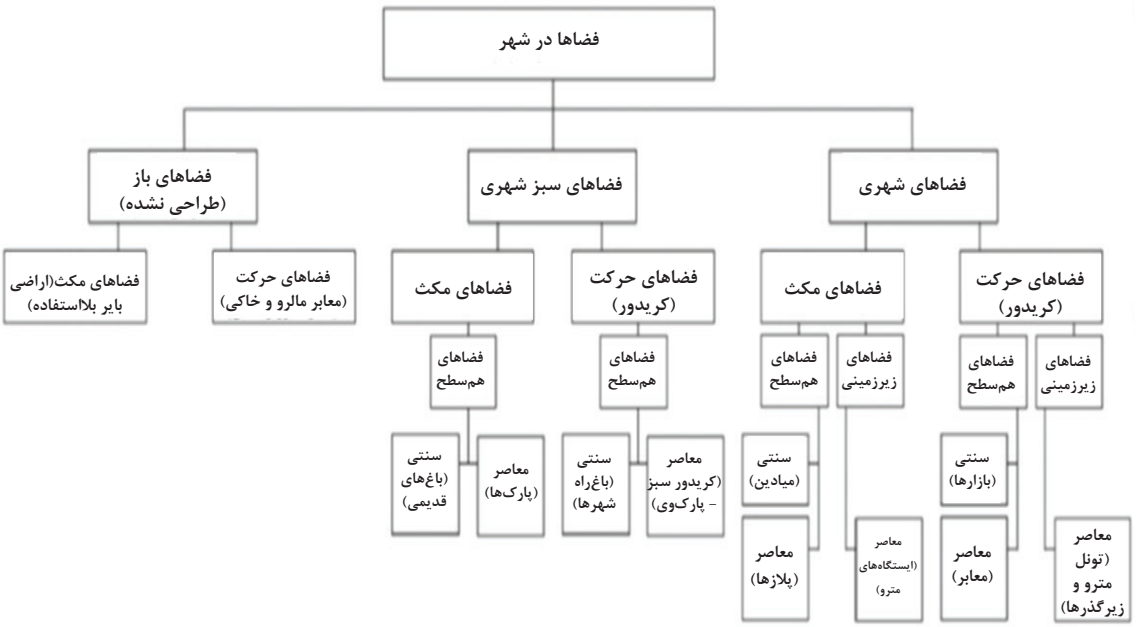


شکل ۳- تاریخ میدان و تغییرات شهرهای ایران از گذشته تاکنون (مدنی‌پور، نوریان، ۱۳۹۱)

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

انواع فضای عمومی شهری

در ادبیات شهرسازی به بیانی تمام شهر در فضا بنا شده و فضای اشغال شده به واسطه یک شهر به فضاهای دیگر، جهت استفاده امور شهروندان تقسیم شده است. در مورد گونه‌شناسی فضاهای عمومی شهری میان صاحب‌نظران اتفاق‌نظر وجود ندارد و در عمده موارد، بیشتر گونه‌شناسی فرمی فضای عمومی موردبررسی قرارگرفته است. فضاها در شهر در ۳ گونه شهری، سبز شهری و باز می‌تواند به ۲ شکل مکث و حرکت گروه‌بندی شود. در شکل ۴ انواع فضاها در همه سطوح و با هر نوع عملکردی از ۲ شکل مکث و حرکت خارج نیستند. در این گونه‌بندی نیز فضاهایی همچون میدان و پلازا در گروه فضای مکث قرار می‌گیرند. روشن است که ماهیت عملکردی میدان و پلازا با مکث سنخیتی ندارد.



شکل ۴- گونه‌بندی فضاها در شهر (پورجعفر، پورجعفر،۱۳۹۲)

عمده متخصصین فضاهای عمومی شهری را محدود نکرده ولی آن را در دامنه گسترده‌تری موردبررسی قرار داده‌اند. مسئله اصلی در طبقه‌بندی‌های ریخت‌شناسانه این است که آن‌ها تقریباً از نظر تنوع نامحدود هستند. در ادامه گزیده‌ای از مهم‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها در قالب جدول ۲ آمده است.

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

جدول ۲- گونه‌شناسی فضاهای عمومی شهری براساس آرای اندیشمندان

رویکرد	گونه	اندیشمندان	گونه‌های فضای عمومی شهری
رویکردهای طراحی	گونه‌شناسی ریخت شناسانه	زوکر	میدان‌های بسته – میدان‌های مسلط – میدان‌های هسته‌ای – میدان‌های گروهی – میدان‌های بی‌شکل
		راب کریر	میدان‌های مربع شکل – مثلث شکل – دایره‌ای شکل - ترکیبی
		لئون کریر	بلوک‌های شهری شکل گرفته توسط الگوی خیابان‌ها و میدان‌ها – خیابان‌ها و میدان‌ها نتیجه‌ی موقعیت بلوک‌ها – خیابان‌ها و میدان‌ها با گونه‌های فرعی – ساختمان‌ها با گونه‌های منفرد که به صورت اتفاقی در فضا پخش شده‌اند.
		فرانک و استیونز	فضای نرم (در دسترس) فضای سخت (محدود)
		کرمونا	فضاهای مثبت – فضاهای منفی – فضاهای مبهم – فضاهای خصوصی
رویکردهای اجتماعی –فرهنگی		والین	فضای دیسلمیک – فضای پرویسمیک
		لفور	فضای باز نمایانندهِ – فضای بازنمایی شده
		لفور	فضاهای عمومی به پا خاسته – فضای عمومی به نمایش گذاشته شده – فضای عمومی متعالی و تحسین شده – فضای عمومی عریان و در معرض- فضای عمومی رنگین – فضای عمومی فرعی و در حاشیه
		دینس و کتل	مکان‌های روزمره – مکان‌های معنا – محیط‌های اجتماعی – مکان‌های خلوت و خصوصی – فضاهای منفی
رویکردهای اقتصادی سیاسی		گولیک	اراضی و مستغلات عمومی- فضای عمومی نشانه شناسانه – قلمروی عمومی
		کیلیان	محوطه‌ای برای تماس و ارتباط – محوطه‌ای برای بازنمایی
		ون میلک	فضای عمومی ایمن– فضای عمومی هدف‌دار
		مالون	فضای باز – فضای بسته
فلاستی			فضای پنهان – فضای دشوار – فضای خشن – فضای آزاردهنده – فضای نگران و مضطرب
پورجعفر			فضا شهری، فضای باز شهری (طراحی نشده)، فضای سبز شهری
پاکزاد			فضاهای قدسی و ناقدسی، فضاهای عمومی، فضاهای کارکردی و فضاهای جغرافیایی ۵ دسته: ورودی، میدان، مسیر، خیابان، کناره، پله
یان گل			فضای قدم زدن- فضای مکث
نفیسه ابراهیمی (پایان‌نامه)			فضای ادراکی، فضای مابین، فضای اجتماع‌پذیر، فضای خصوصی و عمومی، فضای مکث
کرمونا، ۲۰۱۰، ص ۱۰- ۵۳ ص ۸۰- ۸۲			مدیریت فضای عمومی- فضای نادیده گرفته شده – فضاهای گمشده- فضاهای ۲۴ ساعته – فضای مورد تعرض – فضاهای ناتوان‌کننده – فضای انحصاری – فضای حیطه‌بندی شده – فضاهای جدا شده – فضاهای خانگی، مجازی- فضاهای سوم – فضاهای مجازی – فضاهای عمومی بیش مدیریت شده – فضای خصوصی شده – خصوصی‌سازی شرکتی – خصوصی‌سازی دولتی – فضای مصرفی – فضای ساختگی – فضای ترسناک فضای مثبت (طبیعی، مدنی، باز عمومی) فضای منفی (حرکت، خدماتی، پرت و رها شده، تعریف نشده) فضاهای مبهم (تبادل سفر، خصوصی عمومی، غریب گز، عمومی درونی شده، خرده‌فروشی، مکان سوم، عمومی خصوصی، خصوصی مرئی، واسط، منتخب کاربران) فضاهای خصوصی (باز خصوصی، خصوصی بیرونی، خصوصی درونی)
تیبالدز (۲۰۱۲)			خیابان‌ها، پارک‌ها و میدان‌های
امیری‌پریان، ریچل، کیانی (۲۰۱۹)			مالکیت خصوصی و عمومی، دولتی‌محور و خصوصی‌محور از نظر شکل و ماهیت به دو دسته باز و فضاهای عمومی بسته تقسیم می‌شوند و همچنین شامل فضای طبیعی یا ساخته

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

زندگی شهری در فضای عمومی

شهر نیاز به زندگی شهری متنوع و پیچیده دارد، جایی که فعالیت فراغتی و اجتماعی یا فضای موردنیاز برای عبور و مرور پیاده و نیز فرصت مشارکت در زندگی شهری ترکیب می‌شود. فضاهای عمومی باید با احتیاط طراحی شوند تا از روندهای تقویت‌کننده زندگی شهری حمایت کند. زندگی شهری می‌تواند به‌خودی‌خود موجب تقویت خود شود. مردم ناخودآگاه جذب فعالیت و حضور مردم دیگر می‌شوند (یان گل، ۱۳۹۲). اگر فضای شهری بهتری تأمین شود استفاده از فضا متقابلاً افزایش می‌یابد در مورد فضاهای عمومی بزرگ شهر، فضاهای شهری منفرد و حتی یک نیمکت و صندلی نیز صادق است. به‌طور کلی در فرهنگ‌ها و نقاط مختلف جهان، اقلیم‌های متفاوت و موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی متنوع نیز صدق می‌کند. برنامه‌ریزی فیزیکی می‌تواند الگوی استفاده را در مناطق و فضاهای شهری منفرد به شدت تحت تأثیر قرار دهد. اینکه مردم تمایل دارند در شهر راه رفته و مکث کنند، مسأله‌ای که به کار دقیق روی ابعاد انسانی و ایجاد دعوتی پر کشش بستگی دارد (همان، ۱۳۹۲). در زندگی روزمره انسان، فضا و عناصر محصورکننده آن، از فناوری، زیبایی‌شناسی یا حتی تفسیر معنایی خالص، بسیار مهم‌ترند. فضا هم ما را گرد هم می‌آورد و هم پراکنده می‌سازد. این مطلب در چگونگی ارتباط برقرار کردن ما مهم است. فضا جز اساسی صورت بنیادین و جهان‌شمول ارتباطات است (برایان لاوسون، ۱۳۹۱). ساختمان نمی‌تواند زبان فضا را به اندازه انسان، به شکل مناسب منتقل سازد. چه داخل فضا باشیم و چه خارج آن از فضا نمی‌توانیم جدا شویم. فضایی که ما را احاطه کرده و اشیایی که آن را محصور کرده است، تعیین می‌کنند که ما تا کجا می‌توانیم حرکت کنیم، چقدر گرم یا سرد هستیم، به چه میزان می‌توانیم ببینیم، بشنویم و با چه کسی می‌توانیم تعامل داشته باشیم. این موضوع ممکن است احساسات و حالت‌های ما را نسبت به تکالیفی که باید انجام دهیم و مردمی را که باید در مشارکت با خود بیابیم، بشدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس خواسته‌های زیادی از فضا داریم. در سطحی بنیانی نیازهای اساسی چون نور کافی و هوای تازه و نیازمند دستیابی به مبلمان، وسایل و دیگر امکانات هستیم (همان، ۱۳۹۱). عرصه عمومی قلمروی از تمامیت جامعه و حکومت است. فضای عمومی توسط حکومت عرضه می‌شود و توسط جامعه مورداستفاده قرار می‌گیرد. فضای عمومی توسط حاکمان نیز کنترل شده و در عین حال موردتوجه مردم و در دسترس آن‌ها بوده و توسط همه اعضای جامعه به‌طور اشتراکی استفاده می‌شود. (مدنی‌پور، نوریان، ۱۳۹۱). همه آنچه بر فضا می‌گذرد دلالتی است بر پویایی فضای ایستا یا بن‌مایه حرکت در یکایک سلول‌های فضای مکث.

حالت دیگری از گونه‌شناسی فضاهای عمومی شهری، فضای شهری نیمه پویا و نیمه ایستا است که حالتی بینابین و ناپایداراست. عمدتاً در نقاط مفصلی اتصال دو و یا چند فضای شهری، اعم از اتصال پویا ـ پویا و یا ایستا ـ ایستا و یا حتی پویا-ایستا و گاه نیز در نقطه‌ی عطف ورود به فضایی اصلی (ایستا و یا پویا) اتفاق می‌افتد. این‌گونه فضاها قابلیت آن را دارند که در مناسبت‌های مختلف اجتماعی، تغییر حالت بدهند و خود را با خواسته‌های اجتماعی مقطعی خاص، انطباق بدهند. درست به همین دلیل، فضاهای مشمول این حالت تا زمانی که به‌طور نسبتاً پایدار به یکی از دو حالت اصلی نزدیک نشوند، هویت خاص خود را بدست نخواهند آورد. به نظر می‌رسد که حضور عناصر قوی و قدرتمند در کنار چنین فضاهایی، تمایل آن‌ها را به ایستایی، بیشتر می‌کند و خلأ ناشی از حضور این عناصر، حالت بیشتر پویا به آن‌ها می‌بخشد. به‌طور مطلق، فضای پویای کامل و یا ایستای کامل وجود ندارد و مهم آن است که؛ کدام ویژگی‌ها به‌طور پایدارتری غلبه یابند (زند، ۲۰۱۲). به واقع تصدیق عدم وجود فضای ایستای کامل نشان از باور به معرفی فضای عمومی شهری با نامی دیگر است.

یافته‌ها و بحث

مفهوم «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» شامل همه‌ی فعالیت‌هایی است که مردم هنگام استفاده از فضای مشترک شهر بدان می‌پردازند. راه رفتن هدفمند از مکانی به مکانی دیگر، قدم زدن، توقف‌های کوتاه، مکث‌های طولانی، تماشای ویترین‌ها، ملاقات و مکالمات، ورزش، رقص، سرگرمی، تجارت خیابانی، بازی کودکان، گدایی و سرگرمی‌های خیابانی (یان گل، ۱۳۹۲). شهر به عنوان یک محل ملاقات از اهمیتی ویژه برخوردار است. هنگامی که موقعیت زندگی پیاده در شهر ارتقاء می‌یابد، فعالیت‌های پیاده به طرز قابل‌توجهی افزایش پیدا می‌کند و حتی رشد بیشتری در فعالیت‌های فراغتی و اجتماعی دیده می‌شود (یان گل، ۱۳۹۲). لیکن با توجه به توضیحات مطرح شده توسط توسلی در کتاب طراحی فضای شهری در باب مسجد شیخ لطف‌الله: فضای مکث فضایی برای حضور، تفکر و فعالیت افراد می‌باشد (توسلی، بنیادی، طراحی فضای شهری، ص ۱۹)، می‌توان ادعا نمود که در نوشتار توسلی و بنیادی، «درنگ»، بی‌درنگ جایگزینی شایسته برای مکث است.

با توجه به توصیفات صاحب‌نظران از فضای عمومی شهری، می‌توان سه دسته کلی را ذکر کرد، افرادی چون گل (۱۹۸۷: ۱۶۷-۱۶۸) (۱۹۹۶: ۱۶۱-۱۶۷)، زوکین (۱۹۹۵: ۲۴-۳۷)، والرز (به نقل از مدنی‌پور، ۱۹۹۶: ۱۵-۲۵)،

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

بحرینی (۱۳۷۸: ۳۱۳)، لوفلاند (۱۹۹۸: ۷۰- ۹۷)، گل و گمزو (۱۹۹۹: ۲۷-۲۸)، اولدنبورگ (۲۰۰۱: ۳۷-۳۹)، پاکزاد (۱۳۸۴ ه، د، ۹ -۲۴، ۱۱۶)، منش (۲۰۰۷: ۳۱-۴۷)، هولند (۲۰۰۷: ۱۸-۳۲، ۴۷-۶۲)، شوای (۱۹۹۶: ۲۹)، هانسون و هیلی‌یر (۱۹۸۴: ۴۲) و جیکوبز (۱۹۶۱: ۲۷-۲۹، ۱۴۹-۱۵۰) و مامفورد (۱۹۶۲: ۱۳۷-۱۴۹)، راپاپورت (۱۹۷۷: ۵-۷)، بیکن (۱۹۷۶: ۱۳-۲۲،۳۱۲-۳۱۴) تأکید بر خصوصیات ذهنی-ادراکی، تأثیرات فضا بر افراد و سهیم شدن فضا و فعالیت و روابط اجتماعی در فضای عمومی شهری دارند. برخی دیگر همچون: مدنی‌پور (۱۹۹۶: ۹۴-۹۶، ۱۱۱- ۱۱۴)، کورسز سرفاتی (۱۹۹۶: ۵۳۲)، توسلی، بنیادی (۱۳۷۱: ۴۱)، زوکر (به نقل از توسلی و بنیادی ۱۳۷۱: ۱۸)، کوهن (به نقل از مدنی‌پور، ۱۹۹۶: ۱۳)، پورجعفر و پورجعفر (۱۳۹۲a: ۱۴)، پورجعفر (۱۳۹۳: ۵۱)، برونوزوی (به نقل از مدنی‌پور، ۱۹۹۶: ۵، ۱۰)، کرمونا و دیگران (۲۰۰۸: ۳۴-۴۳) (۲۰۱۰: ۱۰-۵۳، ۸۰-۸۲) و (۲۰۱۲: ۳۶-۴۳)، تیبالدز (۲۰۰۰: ۶۹، ۷۸-۸۹)، هبیتات (۶۲۰۱)، امیری‌پریان، ریچل، کیانی (۲۰۱۹: ۱۲۱) ویژگی‌های کالبدی، زیبایی‌شناسانه، قابل دسترس بودن، نظم و سلسله‌مراتب فضا مدنظرشان است. گروه سوم مانند: کار و دیگران (۱۹۹۲: ۱۰-۱۱)، یار و دیگران (به نقل از نقی‌زاده، ۱۳۸۹، ۲۸، ۸۴-۸۷، ۲۹۳-۲۹۴)، مدنی‌پور (۱۹۹۶: صاد)، براون (۲۰۰۶: ۱۵-۱۸)، حبیبی و مقصودی (۲۰۰۷: ۱۰- ۱۱)، لینچ، کار و کریر (به نقل از ریاحی دهکردی و کربلایی نوری، ۱۳۸۶: ۳۱۳-۳۲۲)، به هر دو گروه ویژگی‌های فضایی و روابط اجتماعی اشاره می‌کنند و اشاره به فضای دارای ارزش و نظم دارند. در خصوص تقسیمات فضای شهری به صورت تقریبی از سال ۱۹۹۲ تاکنون می‌توان گفت اندیشمندانی چون زوکر (۱۹۵۹: ۲۸۷)، راب کریر (۱۹۷۹: ۷۴-۸۵)، لئون کریر (۲۰۰۹: ۱۷۰-۲۰۳)، فرانک و استیونز (2007: chap-ter1)، کرمونا (۲۰۱۲: ۱۹- ۳۰) (۲۰۱۸: ۱-۴۸)، تیبالدز (۲۰۰۰، ۹۱-۹۲) نظرات خود را با تأکید بر طراحی و رویکرد ریخت‌شناسانه شهر شکل داده‌اند و اشخاصی چون والین (۱۹۹۸: ۹۹-۱۱۳)، لفور (به نقل از مدنی‌پور، ۱۹۹۶: ۲۲- ۲۴)، دینس و همکاران (۲۰۰۶: ۱۲-۱۶) با مطرح نمودن رویکردهای اجتماعی-فرهنگی به ابعاد جدیدی از فضا اشاره داشته‌اند. برخی دیگر با تمرکز بر ابعاد سیاسی-اقتصادی مانند گولیک (۱۹۹۸: ۳-۲۲)، کیلیان (۱۹۹۸: ۱۱۵-۱۳۴)، ون میلک و همکاران (۲۰۰۷: ۲۵-۴۲)، مالون (۲۰۰۲: ۱۵۷-۱۶۸) سعی بر تقسیم فضای شهری داشته‌اند. صاحب‌نظران دیگری چون فلاستی (۱۹۹۴، ۵۲-۴۸) تأکید بر فضاهای اجتماعی و طراحی نشده دارند. پورجعفر (۱۳۹۵: ۳۵)، پورجعفر و رنجبر و خرمی (۱۳۹۶: ۸۱) و پورجعفر (۱۳۹۲b: ۳۸) در ارتباط با کلیت فضای عمومی شهری بحث کرده‌اند. پاکزاد (۱۳۹۷: ۱۰۷-۱۲۲، ۱۵۹، ۲۲۹-۲۳۸) بر بعد روحانی و جغرافیایی تمرکز داشته و فضای شهری را بر مبنای طراحی تقسیم کرده است. گِل بر مبنای عملکرد به فضای عمومی پرداخته است. کرمی (۲۰۱۵: ۷۵-۸۴) علاوه بر دیدگاه عملکردی گِل، به بعد ادراکی-اجتماعی اشاره داشته است. کرمونا (۲۰۱۰: ۱۵۷-۱۷۳) براساس خصوصیات فضای شهری تقسیمات فضایی را انجام داده و امیری پریان (۲۰۱۹: ۱۲۱-۱۲۲) به بعد سیاسی- اقتصادی و شکل ظاهری فضا توجه کرده است. فضای مکث شهری از نگاه عملکردی گِل نیز مطرح شد. به عقیده او مردم در فضای مکث ناخودآگاه جذب فعالیت و حضور مردم دیگر می‌شوند (یان گل، ۲۰۱۰). همچنین با تلاش‌های صاحب‌نظرانی همچون کرمونا و محققانی چون کرمی به این موضوع پرداخته شد. کرمی ۶ تقسیم‌بندی بر فضای شهری لحاظ نمود (فضای ادراکی، فضای عمومی و خصوصی، مابین، روز و شب، مکث و فضای اجتماع‌پذیر) که فضای مکث جزئی از آن می‌باشد (Karami, 2015,74-85). با مدنظر قرار دادن تمامی منابع موردبررسی قرار گرفته در این پژوهش، فضایی شهری که در آن فعالیتی خاص صورت گیرد و همراه با ایجاد پویایی متفاوت موجب تغییر در روند و سیر حرکتی کاربران فضا شود، فضای مکث شهری نامیده می‌شود. پر واضح است که سایر خصیصه‌های مطرح شده را می‌توان در واژه درنگ یافت. لذا می‌توان تأیید نمود که تعبیر «فضای درنگ معادل مناسبی برای فضای مکث است» (حبیبی، ۱۳۹۷)، صحیح است. درنگ یک دستگاه است، عملی هرچند کوچک که تعادل یا نظم آن فضاها را بر هم می‌زند و باعث ایجاد لحظه‌ای از عملکرد می‌شود که در آن فرد برای مدت‌زمان نامشخصی آزاد می‌شود. با استفاده از نظریه «لحظه» لوفور، درنگ به عنوان رویدادی که قرار است باعث اتمام حرکت شود موردبحث قرار می‌گیرد (Karami, 2015,74). با توجه به تفاوتی که در معنای دو کلمه «مکث» و «درنگ» در فرهنگ لغات آورده شده: مکث را توقف طولانی در طول چند روز یا چند سال می‌نامند. در واژه مکث، معنای انتظاری طولانی یا مکثی طولانی نهفته است. معنای لغوی درنگ به توقف و فرصت و تأملی کوتاه اشاره دارد که در ورای خود آسایش و راحتی را مدنظر دارد.

تبیین مفهوم فضای درنگ در مقیاس‌های متفاوت

در ادبیات طراحی شهری، تعریفی رسمی از مفاهیم «حرکت» و «مکث» مکتوب نشده است. برخی از نویسندگان به‌طور اجمالی از عبارات فضاهای پویا و ایستا استفاده کرده‌اند. گشودگی‌ها، فضاهای محصور، ارتباطات، گره‌ها، میادین و خیابان‌ها، عناصر شناخته شده‌ی بافت شهری‌اند که می‌توانند این دو مفهوم را در شهر به تصویر

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

بکشند (El Husseiny & El Husseiny 2013, 135). مفهوم «پویا» یا «دینامیک» بر حرکت تأکید دارد. در نقطه مقابل نیز فضای غیرپویا یا ایستا است که بر مکث، اقامت و ماندن در فضا دلالت می‌کند. مشخصه‌ی مشترک زندگی در فضای شهر، تنوع و پیچیدگی فعالیت‌ها به دلیل همپوشانی و تغییر مداوم بین راه رفتن هدفمند، توقف، استراحت، مکث و مکالمه است. اعمال غیرقابل پیش‌بینی، بدون برنامه و خودانگیخته بخشی که از چیزی هستند که حرکت و توقف در فضاهای شهری را این‌چنین جذاب می‌کنند. هنگامی که در حال حرکت هستی با دیدن مردم و وقایع تشویق می‌شویم که از نزدیک‌تر نگاه کنی و یا حتی توقف کنی و به آن‌ها ملحق شوی (گل، ۱۳۹۲: ۲۰).

فضای درنگ شهری در مکان‌های عمومی کوچک

کرمونا در مقابل فضای حرکت، فضای اجتماعی را تعریف می‌کند. از نظر او در حالی که تضاد فراوانی بین فضاهای عمومی به عنوان فضای حرکتی و فضای اجتماعی وجود دارد، ایجاد فضاهای چند منظوره‌ای نیاز است که در آن‌ها دو نوع فضای حرکتی و اجتماعی در صورت لزوم از یکدیگر جدا شوند. در غیر این صورت این دو نوع فضا با یکدیگر همپوشانی قابل‌ملاحظه‌ای خواهد داشت (کرمونا دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۲). اصطلاح دیگری که در رابطه با فضاهایی با کاراکتر «مکث» به کرات استفاده می‌شود «پاتوق» است که معادلی برای فضاهای عمومی کوچک مقیاس در نظر گرفته می‌شود. پاتوق در ادبیات طراحی شهری معمولاً جزیی از یک فضای بزرگ‌تر است که هویت مستقل دارد. پاتوق محل اجتماع افرادی است که به صورت مستمر و در زمان‌های نسبتاً ثابت از آن فضا استفاده می‌کنند. تعداد این افراد معمولاً بیش از دو نفر است؛ چرا که تعداد افراد لازم برای آنکه گفتمانی چندوجهی شکل بگیرد بیش از دو نفر است. فعالیت‌هایی که در پاتوق انجام می‌شود از جمله فعالیت‌های اختیاری یا اجتماعی است. حضور در پاتوق آزادانه است و افراد به فعالیت‌هایی که موردعلاقه‌شان است نظیر گفت‌وگو، تماشا کردن، بازی کردن، کسب اطلاعات، استراحت کردن و... می‌پردازند (سعیدی رضوانی و شش‌پری، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۲). خوردن غذا یا نوشیدنی نیز به آن‌های برای مکث و استراحت در فضاست. وجود کافه‌ها و مغازه‌های کوچک فروش نوشیدنی، چیدن میز و صندلی در فضای عمومی، کیوسک‌های پرتابل و گاری‌های فروش اغذیه این دسته از فعالیت‌ها را در فضای مکث تقویت می‌کنند (Shaftoe 2008, 105-106). درمجموع پاتوق‌های محلی، حس تعلق به محله و امنیت اجتماعی محله را تقویت می‌کنند و پاتوق‌های بزرگ‌تر ارتقای کیفیت محیط را در پی دارند. برخورداری از تسهیلات مناسب جهت نشستن مثل سکو، نیمکت، پله و جایی برای تکیه دادن، نورپردازی مناسب، امکان بهره‌برداری در ساعات مختلف روز، چشم‌انداز مناسب، دسترسی‌پذیری، وضعیت اجزای مستقر در فضا، آسایش اقلیمی، پوشش گیاهی و فرم مناسب از ویژگی‌های که پاتوق مطلوب است (سعیدی رضوانی و شش پری، ۱۳۹۰: ۳۱-۳۲). در مکان‌های عمومی کوچک، بازدیدکنندگان و ساکنان به شیوه‌های بی‌شمار رسمی و غیررسمی در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند (Kim 2015, 39). در تعبیری دیگر، فضای مکث می‌تواند شامل نقاطی باشد که در آن جریان پیاده جاری در فضای شهری، مفهومی است که ابعاد زمانی رفتار کاربران فضا را در نظر دارد. بعضی «توقف» به هر دلیلی، متوقف می‌شود و اوقات مردم علاقه‌ای به نشستن ندارند و تنها دوست دارند که به تماشای منظره یا صحنه‌ای در فضای شهری بایستند. فضاهای مکث، بخش‌های کوچک و با ارزشی از فضای عمومی هستند. گاهی یک نقطه یا مکان برای تکیه دادن هم می‌تواند یک فضای مکث محسوب شود. فضای مکث در واقع تابعی از وضعیت کالبدی فضای عمومی است؛ این وضعیت عمومی شامل وضعیت استقرار اثاثیه شهری، وضعیت نظافت عمومی محل جداره‌های فعال و کیفیت عمومی عرصه می‌گردد. مقیاس و ترکیب تمام عناصر موجود در فضا بر تجربه فضای مکث مؤثر است. از طرفی وضعیت کالبدی فضای عمومی تابعی از سیاست‌های شهری است که به‌طور مستقیم به ارگان‌های مسئول و مدیریت شهری ارتباط پیدا می‌کند (وزیری، ۱۳۹۵). این‌گونه را می‌توان فضای درنگ کوچک مقیاس نامید.

فضای درنگ میانی

از نظر مکان استقرار، پاتوق‌ها در نقاط مختلف شکل می‌گیرند که می‌تواند در امتداد یک راسته تجاری در داخل یک جلوخان یا دل یک فرورفتگی، نبش یک چهارراه، کنار یک مرکز تجاری، گوشه یک مرکز محله، میان یک میدانگاه و فضایی در مقابل ساختمانی با کاربری فرهنگی یا مذهبی و... باشد. از نظر مقیاس، پاتوق‌های فرامحلی موجب ایجاد کانون‌های فعال در مراکز شهر یا مراکز منطقه می‌شود و سبب تعامل، سرزندگی، آموزش، تبادل اطلاعات و تنوع می‌شوند. مکان‌های عمومی کوچک می‌توانند فضاهای عمومی مرکزی هسته شهر را تکمیل کرده و از آن پشتیبانی کنند؛ همچنین هویت‌های برای زیر حوزه‌ها ایجاد نمایند. این فضاهای عمومی ثانویه می‌توانند به عنوان رابط‌هایی بین حوزه‌های شهری، شاخص‌هایی برای نمایان ساختن ورودی‌ها، کانون‌های جاذب جمعیت و محله‌ای برای توسعه‌ی خصوصی عمل نمایند. فعالیت و سرزندگی در این فضاها به واسطه حضور فروشندگان مواد غذایی خیابانی و لبه‌های برنامه‌ریزی شده و از طریق به حداکثر

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

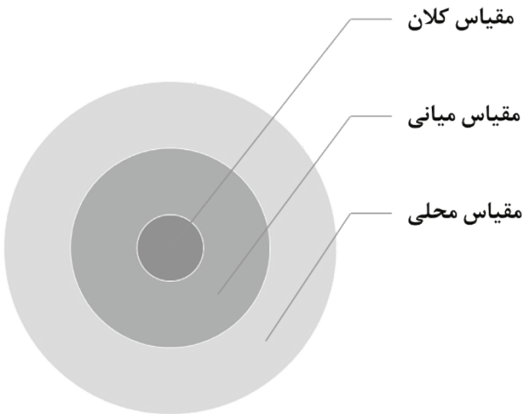
رساندن دسترسی‌پذیری و قابل‌رؤیت بودن از خیابان ایجاد می‌شود. به علاوه تعدد گزینه‌ها برای نشستن و کیفیاتی از این دست سبب می‌شود تا جذابیت و استفاده بهینه از فضا افزایش یابد. اغلب این فضاها از لحاظ موقعیت استقرار، به پیاده‌روها و دیگر حوزه‌های همگانی به عنوان بخشی از یک سامانه‌ی یکپارچه مرتبط هستند. چنین فضاهایی، از سطوح بالای فعالیت و کارکرد موجود نهایت استفاده را می‌نمایند (پامیر، ۱۳۸۹: ۱۲۳). فضای درنگ شهری با خصوصیاتی مذکور می‌تواند در مقیاسی فرامحلی یا به عبارتی مقیاس میانی عمل کند.

فضای درنگ کلان‌مقیاس

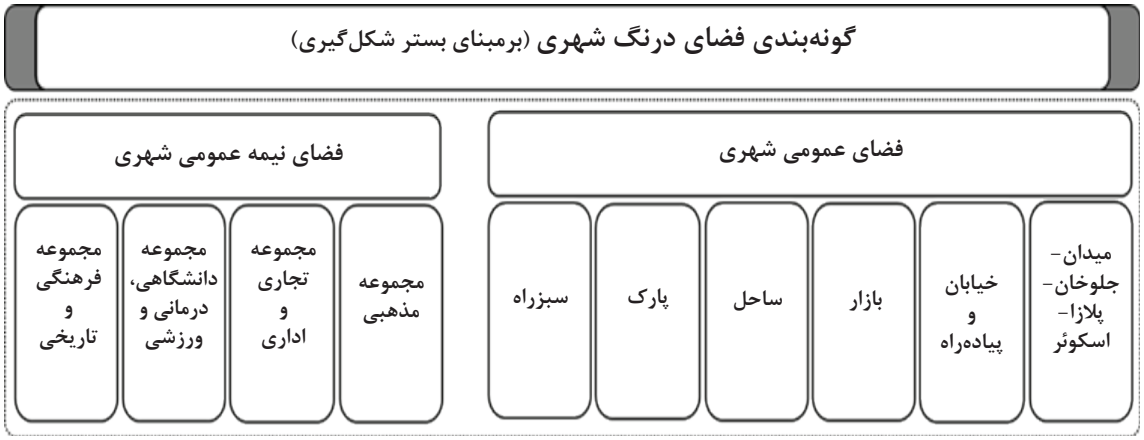
فضایی از پیش طراحی شده با در نظرگیری مسیرهای منتهی بدان و ورودی و خروجی‌ها مشخص است که در راستای اهداف کلان و یکپارچه سازمانی و ملی از آن بهره‌مند می‌شوند و در خارج از این حیطه، این فضا در صورت دارای بودن مرز مشخص، خالی بوده و هیچ استفاده‌ای از امکانات موجود نمی‌شود و در صورت نبود مرز مشخص و جزیی از فضای عمومی شهری بودن، این مکان در خارج از زمان رویداد کلان، توسط کاربران خرد مورداستفاده قرار گرفته و پویایی خود را از دست نمی‌دهد، هرچند فضای درنگ شهری این‌چنینی به‌مراتب مقیاسی بزرگ‌تر از ۲ نمونه پیشین دارد.

نتیجه‌گیری

فضای درنگ شهری گونه‌ای کلیدی از فضاهای عمومی و نیمه عمومی در استخوان‌بندی شهر است (شکل ۶) که می‌تواند محدوده‌ای مطلوب برای تعاملات اجتماعی، جاری بودن هویت شهری و پویایی محیط باشد. این فضا به دلیل ویژگی‌های خاص خود، فراتر از یک محدوده فیزیکی ساده عمل کرده و بستری برای شکل‌گیری رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، حکومتی و ... فراهم می‌آورد. فضای درنگ شهری می‌تواند در ۳ مقیاس محلی، میانی و کلان در ساختار شبکه فضاهای عمومی شهر نقش‌آفرینی کند (شکل ۵).



شکل ۵- گونه‌بندی فضای درنگ شهری بر مبنای مقیاس (منبع: نگارنده)

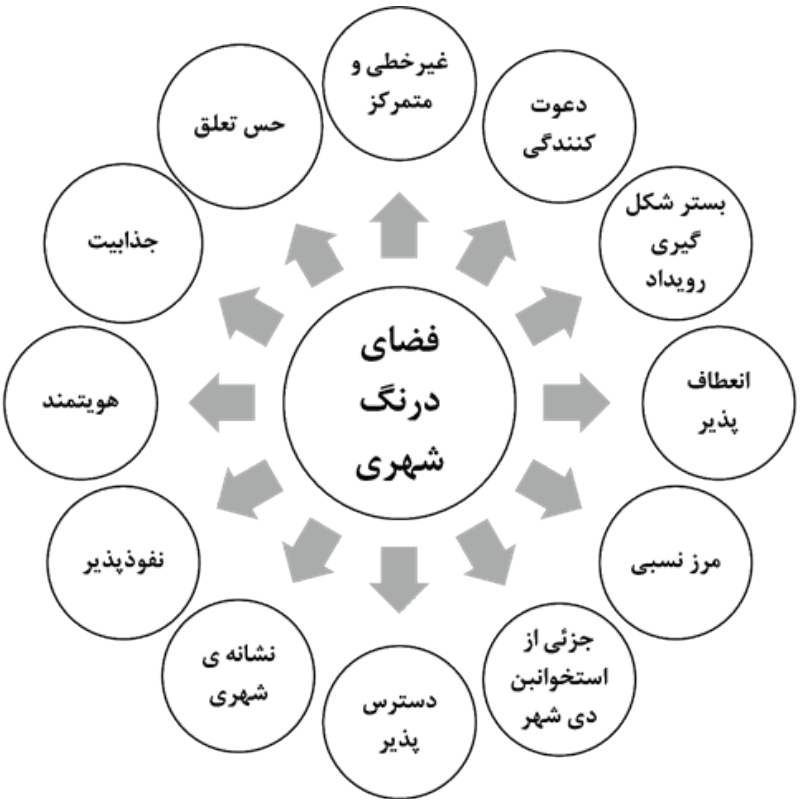


شکل ۶ - انواع فضای درنگ شهری (منبع: نگارنده)

پیرو آنچه در متن پژوهش بحث شد می‌توان برای فضای درنگ شهری ویژگی‌های متعددی را مشخص کرد (شکل ۷). یکی از ویژگی‌های مهم فضای درنگ شهری، شکل غیرخطی و متمرکز بودن آن است. برخلاف مسیرهای عبوری که صرفاً برای حرکت طراحی شده‌اند، فضای درنگ شهری محدوده‌ای است که مردم را به توقف، تعامل و تجربه محیط دعوت می‌کند. این ویژگی به جذابیت و پویایی این فضاها کمک کرده و آن‌ها را به نقطه‌ای برای شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی تبدیل می‌کند. دعوت‌کنندگی از دیگر ویژگی‌های این فضاها است. طراحی مناسب، مبلمان

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

شهری، دسترسی آسان و عناصر بصری متناسب، موجب می‌شود که افراد به‌صورت ناخودآگاه به این‌گونه فضا ورود کنند. یک فضای عمومی موفق باید شکل و فرم فضای محدوده‌ای سه‌بعدی را چنان بسازد تا کاربران با رغبت در آن حضور یابند و ارتباطات اجتماعی در آن شکل گیرد. فضای درنگ همچنین بستر شکل‌گیری رویدادها است. این فضاها زمینه‌ای برای تعاملات شهری، مراسم فرهنگی و فعالیت‌های جمعی فراهم می‌کنند. انعطاف‌پذیری در طراحی آن‌ها، امکان برگزاری طیف گسترده‌ای از رویدادها را فراهم کرده و نقش مهمی در زندگی اجتماعی شهروندان ایفا می‌کند. از نظر ساختار شهری، جزئی از استخوان‌بندی شهر بودن فضای درنگ اهمیت ویژه‌ای دارد. این فضاها نباید به‌عنوان مکان‌های منفصل دیده شوند، بلکه باید در ارتباط با ساختار کلی شهر قرار گیرند. اتصال مناسب این فضاها به مسیرهای شهری، سیستم حمل‌ونقل و شبکه سایر فضاهای عمومی، به بهبود دسترسی و کارکرد بهتر آن‌ها کمک می‌کند. نفوذپذیری و مرز نسبی نیز از ویژگی‌های ضروری فضاهای درنگ شهری محسوب می‌شوند. برخلاف فضاهای محصور و محدود، این فضاها باید امکان تعامل با محیط اطراف را داشته باشند و شهروندان بتوانند به‌راحتی وارد آن شوند. همچنین مرزهای نسبی این فضاها اجازه می‌دهد تا با محیط پیرامونی هماهنگ باشند، بدون اینکه مانع ارتباطات شهری شوند. بعلاوه، هویت‌مندی و حس تعلق فضای درنگ شهری تأثیر زیادی بر پذیرش آن توسط شهروندان دارد. هویت بصری و تاریخی این فضاها باید به‌گونه‌ای باشد که مردم با آن احساس ارتباط و تعلق کنند. طراحی مناسب، استفاده از نشانه‌های شهری و توجه به نیازهای اجتماعی، می‌تواند فضای درنگ را به نقطه‌ای تأثیرگذار در پویایی شهر تبدیل کند.



شکل ۷- ویژگی‌های فضای درنگ شهری (منبع: نگارنده)

فضای درنگ شهری، ضد فضای «عبوری» و «تجاری‌سازی شده» است. جایی است که زمان کند می‌گذرد، آدم‌ها چهره‌به‌چهره می‌شوند و شهر از «ماشین کار» به «خانه جمعی» تبدیل می‌شود. سرمایه‌گذاری بر طراحی و نگهداری این فضاها، در واقع سرمایه‌گذاری برای سرزندگی، سلامت و پویایی اجتماعی و هویت انسانیِ شهرها است. فضای درنگ شهری، مکانی است به‌مثابه ریه‌های اجتماعی شهر. تنفس اجتماعی شهر به‌واسطه وجود فضای درنگ شهری امکان‌پذیر است. با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش، توسعه و بهبود فضاهای درنگ شهری باید

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

یکی از اولویت‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری باشد. ایجاد چنین فضاهایی نه‌تنها موجب ارتقای کیفیت زندگی شهروندان می‌شود، بلکه به تعاملات اجتماعی، پایداری فرهنگی و زیبایی محیطی شهر نیز کمک خواهد کرد؛ بنابراین، برای دستیابی به شهرهای انسانی‌تر و پایدارتر، توجه ویژه به طراحی و نگهداری فضای درنگ شهری امری ضروری است.

منابع

- بحرینی، سید حسین، (۱۳۷۸)، تجدد، فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی، چاپ دوم، موسسه و انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۱۳.
- بیکن، ادموند، (۱۹۷۶)، طراحی شهرها، طاهری، فرزانه،(۱۳۹۵)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، شهیدی، ۱۳-۲۲، ۳۱۲-۳۱۴.
- پامیر، سیریل‌بی (۱۳۸۹)، «آفرینش مرکز شهری سرزنده»،شکیبا منش، امیر، بهزادفر، مصطفی، تهران، دانشگاه علم و صنعت، چاپ اول، ۱۲۳.
- پاکزاد، جهانشاه، بزرگ، حمیده، (۱۳۹۷)، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، چاپ پنجم، آرمانشهر، ص ۱۰۷-۱۲۲، ۱۵۹، ۲۲۹-۲۳۸.
- پاکزاد، جهانشاه،۱۳۸۴،راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران، شرکت طرح و نشر پیام سیم، ه، د، ۹، ۲۴، ۱۱۶.
- پورجعفر، محمدرضا، (۱۳۹۵)، فضاهای شهری در عصر ارتباطات و فرا ارتباطی، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۳۵.
- پورجعفر، علی، رنجبر، احسان، خرمی، علی، (۱۳۹۶)، تبیین مدل نوین کیفیت‌های طراحی شهری فضاهای شهری زیرزمینی، فصلنامه علمی پژوهشی نقش‌جهان، پاییز ۱۳۹۶، ۸۱.
- پورجعفر، محمدرضا، پورجعفر، علی، (a۱۳۹۲)، گونه‌شناسی فضا، تأملی بر مفهوم فضاسازی شهری، نشریه شهر-زندگی-زیبایی (ویژه‌نامه فضاهای عمومی)،سازمان زیباسازی شهر تهران، دوره اول، شماره ۷، بهار ۱۳۹۲، ۱۴.
- پورجعفر، علی، (b۱۳۹۲)، فضاهای دلنشین شهری و خلق مکان‌های عمومی تأثیرگذار، ماهنامه کتاب ماه هنر،شماره ۱۷۷، خرداد ۱۳۹۲، ۳۸.
- پورجعفر، علی، (۱۳۹۳)، تدوین راهنمای طراحی شهری فضاهای شهری زیرزمینی،پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، ۵۱.
- تیبالدز،فرانسیس، (۲۰۰۰)(۱۹۹۲)، ساختن شهرهای مردم‌پسند، ارتقای محیط عمومی در شهرهای کوچک و بزرگ، چاپ اول، قاسمی اصفهانی، مروارید، (۱۳۸۷)، تهران، روزنه، ص ۶۹، ۷۸ - ۸۹، ۹۱، ۹۲.
- توسلی، محمود، بنیادی، ناصر، (۱۳۷۱)، طراحی فضای شهری، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، ۱۸، ۴۱.
- حبیبی (۱۳۹۷)، نشست هم‌اندیشی نظریه‌پردازان.
- حبیبی، سید محسن، مقصودی، ملیحه، (۱۳۸۶)، مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، چاپ سوم،ص ۱۰-۱۱.
- حسینی، سانازسادات، نقی زاده، محمد،(۱۳۹۵)، مدل تحلیلی و چارچوب نظری طراحی شهری با تأکید بر رویکرد پیاده مداری، کنفرانس بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی.
- راپاپورت، آموس، (۱۳۸۴)، معنی محیط ساخته شده- رویکردی در ارتباط غیرکلامی، حبیب، فرح، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۵-۷.
- ریاحی‌دهکردی، فرزانه ، کربلایی‌نوری، رضا، (۱۳۸۶)، هویت شهرهای جدید، آفرینش حس شهروندی با توجه به نیازهای روان‌شناختی اجتماعی در شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران، چاپ اول، ۳۱۳-۳۲۲.
- سعیدی رضوانی، نوید، شش پری، زهرا، (۱۳۹۰)، رویکرد نوین پهنه امن خانگی و ارزیابی برخی از تجارب اجرا شده در انگلستان، همایش ملی استفاده از فناوری ها و تکنولوژی های نوین طراحی، محاسبه و اجرا در مهندسی عمران،معماری و شهرسازی.
- شوای، فرانسواز،(۱۹۹۶)، شهرسازی تخیلات و واقعیات، حبیبی، سید محسن، (۱۳۷۵)، دانشگاه تهران، چاپ ششم، (۱۳۹۲)، ۲۹.
- صفا منش،کامران، (۱۳۸۴)، سیر تحول فضاهای عمومی و خصوصی در آغاز دوره مدرن ایران، نشریه اندیشه ایرانشهر، بهار، شماره ۳.
- کرمونا، متیو، (۲۰۱۰)، فضای عمومی معاصر نقد و طبقه‌بندی آن، ثقفی اصل، آرش، عبدالله زاده طرف، اکبر، (۱۳۹۴)، چاپ اول، طحان، ۱۰- ۵۳، ۸۰-۸۲، ۱۷۳-۱۵۷.
- کریر، راب، (۱۹۷۹)، فضای شهری، هاشمی نژاد، (۱۳۷۵)، خسرو، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، چاپ اول، ۷۴-۸۵.
- کریر، لئون، (۲۰۰۹)، معماری باهمستان، لطفی، سهند، یدالله پور، امیر، (۱۳۹۸)، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۷۰-۲۰۳.
- کریر،راب،(۱۳۸۳)، فضای شهری،ترجمه خسرو هاشمی نژاد،خاک.
- گل، یان،(۲۰۱۰)، شهر انسانی،غفاری، علی، غفاری، لیلا، (۱۳۹۲)، ناشر موسسه علم معمار رویال، چاپ اول، ص ۶۵-۶۷،۲۵،۱۵۰، ۱۴۸،۳۵، ۳۸، ۳۷، ۴۷.
- گل، یان، (۱۹۸۷)،زندگی میان ساختمان‌ها، اکبری، علی، کرمیان، فرشته، محرابی، نسترن،(۱۳۹۶)، ناشر پرهام نقش، چاپ اول، ۱۰۵،۱۶۷، ۱۷۰،۱۹۵، ۱۲۹، ۱۶۸، ۱۰۶- ۱۰۸، ۲۱۸، ۱۵۵.
- لاوسون، برایان، (۱۳۹۵)، طراحان چگونه می‌اندیشند ابهام‌زدایی از فرایند طراحی، ندیمی، حمید، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
- مامفورد، لوئیز، (۱۹۶۲)، مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ: خاستگاه‌ها، دگرگونی‌ها و دورنماهای آن: گفتاری در پیدایش، شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی، احمد عظیمی‌بلوریان، (۱۳۸۱)،مرکز بین‌المللی گفت‌وگو تمدن‌ها، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷-۱۴۹.
- مدنی‌پور، علی، (۱۹۹۶)، طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیند اجتماعی مکانی)، مرتضایی، فرهاد، (۱۳۸۴)، شرکت پردازش و

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

برنامه‌ریزی شهری، تهران، صاد، ۵، ۱۰، ۱۳، ۱۵-۲۵، ۹۴-۹۶، ۱۱۱-۱۱۴.

- مدنی‌پور،علی، (۱۳۹۱)، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، نوریان، فرشاد، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، چاپ سوم.
- نقی‌زاده، محمد، (۱۳۸۹)، تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها و شیوه‌ها)، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی: جهاد دانشگاهی،پژوهشکده فرهنگ و هنر، چاپ اول، ص ۲۸، ۷۸-۸۴، ۲۹۳-۲۹۴.
- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۸)، طرح کلی برنامه ی جامع احیاء شهر اسلامی، کتاب ماه هنر،دی ۱۳۸۸، شماره ۱۳۶.

- Amiri paryan, P., Richer, C., Kiani, (2019), "Analyzing the Effectiveness of Public Spaces on Sociability Potential of Cities: Case Study of Nobahar Street, Kermanshah, Iran", Conference: SUSTAINABLE CITY 2019, 121, 122.
- Brown, A. (2006), Contested Space: Street trading, public space and livelihoods in developing cities. Rugby: ITDG Publishing, 15-18.
- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L.G. & Stone, A.M., (1992), Public Space, Cambridge University Press, p10-11.
- Carmona, Matthew (2019) Place value: place quality and its impact on health, social, economic and environmental outcomes, Journal of Urban Design, 24:1, 1-48 , DOI: 10.1080/13574809 2018.1472523., [Taylor & Francis Online]
- Carmona, M., & Wunderlich, F. (2012). Capital spaces, the multiple complex public spaces of a global city. London: Routledge. p19-30.
- Carmona, M. (2012). The London way: The politics of London's strategic design. Architectural Design, 82(1), 36–43.
- Carmona, M.; de Magalhaes C.; Leo H.; (2008). Public Space: The management dimension, Routledge Cooper, Marcus, Clare (1978), Remembrance of landscapes past landscape, 34-43.
- Franck, K.; Stevens, O.; (2007). Loose Space: Possibility and Diversity in Urban Life, London, Routledge, chapter 1.
- Flusty, Steven, (1994), building paranoia: The Proliferation of interdictory space and the Erosion of spatial Justice, 48-52.
- Gehl, J.; Gemzøe, L.; (1999). Public Spaces Public Life - Copenhagen 1996. Copenhagen, The Danish Architectural Press and The Royal Danish Academy of Fine Arts School of Architecture Publishers, 27-28.
- Gulick, J., (1998), The disappearance of public space: an ecological Marxist and Lefebviran approach, A. Light & J. Smith (Eds) The Production of Public Space (Oxford: Rowan and Littlefield), 3-22.
- Karami, Sepideh, (2015), Pause: A Device for Troubling Routines, 75-84.
- Kilian, T., (1998), Public and private, power and space, in: A. Light & J. M. Smith (Eds) Philosophy and Geography II: The Production of Public Space, 115-134 (Lanham, Md: Rowman & Littlefield).
- Korosec Serfaty, P., (1996), Öffentliche Plätze und Freiräume. Ökologische Psychologie: EinHandbuch in Schlüsselbegriffen, Studienausgabe, Beltz Verlag: Weinheim, 532 pp.
- Habitat III Issue Papers,(2016), Public Space. United Nation conference housing and sustainable development. October 2016, Quito: New York. [https://www.un.org/en/conferences/habitat/quito2016]
- Holland, C., Clark, A., Katz, J. & Peace, S., (2007), Social Interactions in Urban Public Places, Policy Press, 18-32, 47-62.
- Hillier B, Hanson J., (1984), The Social Logic of Space, Cambridge University Press, Cambridge, 42.
- Lynch, K., (1964), Image of the city, Mozayeni, Manochehr, (1387), Tehran University, 141-143, 365-385.
- Lofland, Lynn H., (1998), The Public Realm: Exploring the City's Quintessential Social Territory. New York: Aldine De Gruyter,70-97.
- Malone, K., (2002), Street life: youth, culture and competing uses of public space, Environment and Urbanization, 14(2), 157-168.
- Mensch, J. (2007). Public space. Continental Philosophy Review, 40, pp. 31 – 47.
- Oldenburg, R. (Ed.) (2001). Celebrating the Third Place: Inspiring Stories About the Great Good Places at the Heart of Our Communities. Da Capo Press: Boston, MA, 37-39.
- Tibbalds, F., Making People-Friendly Towns: Impr oving the Public Environment inTowns and Cities, Taylor & Francis, 2012.
- Van Milk, R., (2008), Van Aalst, I., Van Weesep, J., Fear and Fantasy in the Public Domain: The Development of Secured and Themed Urban Space, Published online: Taylor and Francis Online, 25- 42.
- Wallin, L., (1998), Stranger on the green, in: A. Light & J. M. Smith (Eds) Philosophy and Geography II: The Prouduction of Public Space, 99-113(Lanham MD: Rowman & Littlefield).
- Zucker, P., (1959), Square in Space and Time: Town and Square from the Agora to the Village Green, Columbia University Press, First Edition, New York & London, 287.
- Zukin, S(1995) ,.,The Culture of Cities, New York, Blackwell Publishers, 24.

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]

An Analysis of Urban Public Space Concepts with an Emphasis on Pause Space

Ali Pourjafar[1*]/ Elham Khazaei[2]

Received: 2024/05/25 Accepted: 2024/11/02 Available Online: 2024/12/21

Abstract

Urban public spaces are key components of the structural fabric of cities, encompassing a diverse range of urban design dimensions. These spaces serve as settings for the presence and engagement of various social groups and play a vital role in social interaction, urban vitality, and the overall quality of urban life. Public spaces simultaneously meet the diverse needs of citizens while fostering social connections and enhancing the sense of belonging. A significant challenge in defining and classifying urban public spaces with distinctive characteristics is the vague and general references made to their various subtypes. One noteworthy type of urban public space is the kind that—due to its location within the urban structure and the influence of design elements—becomes a conducive setting for social interactions and events. This type of space can be referred to as a pause space, which in some authoritative sources is also known as a "static space" or "intermission space." This article adopts a comparative approach to describe and analyze various perspectives and definitions of urban public spaces, aiming to clarify the concept of pause space and assess its alignment with the broader concept and function of urban public space in contrast to static or intermission spaces. Finally, the article proposes the defining characteristics and a suitable typology for urban pause spaces.

Keywords: Urban public space, pause space, typology, urban design.

آباد

No. 92 / Winter 2025

5-21

1-Assistant Professor, Department of Urban Design, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran.

2- Ph.D. Candidate in Urban Planning, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran.

* Corresponding Author: a.pourjafar@sru.ac.ir

[Downloaded from journalabadi.ir on 2026-11-19]